دوفصلنامهٔ علمی ـ پژوهشی
جستارهای اقتصادی ایران
س۱۵، ش۳۰، پاییز و زمستان ۱۳۹۷
صفحات ۲۹-۵۰

Biquarterly Journal
of
Iran's Economic Essays
Vol.15, No.30, Autumn & Winter 2018-2019

تأثیر تسهیلات قرض‌الحسنه بر توزیع درآمد در ایران

حجت ایزدخواستی*

چکیده

نرخ بهره در نظام بانکداری متعارف با حد زدن بر بازدهی سرمایه‌گذاری باعث ایجاد شکاف بین سرمایه‌گذاری و پس‌انداز، کاهش انگیزه کار، محدود شدن سطح اشتغال و افزایش نابرابری درآمدی می‌شود. در نظام اقتصادی اسلام قرض‌الحسنه به‌عنوان یکی از شیوه‌ها و ابزارهای مؤثر برای کاهش نابرابری توزیع درآمد در نظر گرفته شده است؛ بنابراین قرض‌الحسنه می‌تواند با انتقال جریان پول از طبقات ثروتمند به طبقات کم‌درآمد، ایجاد زمینه تغییر الگوی تولید، افزایش اشتغال و تأمین نیازهای ضروری طبقات یادشده، نقشی مهم در تثبیت درآمدها بین نیازمندان داشته باشد. براین‌اساس، هدف این مقاله تحلیل آثار تسهیلات قرض‌الحسنه بر توزیع درآمد در ایران با استفاده از تکنیک‌های توابع عکس‌العمل تحریک (IRF) و تجزیه واریانس (VD) در دوره (۱۳۶۳-۱۳۹۲) است.

نتایج توابع عکس‌العمل تحریک نشان می‌دهد که وقوع یک شوک مثبت در لگاریتم تسهیلات قرض‌الحسنه بانک‌ها و مؤسسه‌های اعتباری غیربانکی، تا یک نیم دوره باعث افزایش نابرابری و پس از آن تا دور دهم باعث کاهش نابرابری درآمد شده است، هرچند کاهش در نابرابری درآمد ناچیز بوده است. همچنین، نتایج تجزیه واریانس نشان می‌دهد که سهم لگاریتم تسهیلات قرض‌الحسنه بانک‌ها و مؤسسه‌های اعتباری غیربانکی در توضیح ضریب جینی ۵/۳۰ درصد بوده است.

واژگان کلیدی: قرض‌الحسنه، نرخ بهره، ربا، توزیع درآمد، ایران.

طبقه‌بندی JEL: E43, D33

* استادیار اقتصاد دانشکده علوم اقتصادی و سیاسی دانشگاه شهید بهشتی تهران h_izadkhasti@sbu.ac.ir
تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۸/۴ تاریخ تأیید: ۱۳۹۷/۳/۲۷

۱. مقدمه

وجود بهره در نظام بانکداری متعارف یکی از علل پیدایش نابرابری است؛ زیرا سود فعالیت اقتصادی به صورت تفاضل درآمد و هزینه، متغیر است و در بازار رقابت کامل به صفر میل می‌کند؛ ولی بهره نرخ ثابت داشته و جزئی از هزینه ثابت تمام شده سرمایه به شمار می‌آید. بنابراین، نظام بانکداری متعارف بدون توجه به سود یا زیان، بهره قرض را مطالبه می‌کند. کرویتس (۱۳۷۸) نقش بهره را در پدید آوردن نابرابری توضیح داده، می‌گوید: هر کالایی در معرض اتلاف و کهنگی قرار دارد و امکان احتکار آن نیست؛ درحالی‌که صاحب سرمایه مالی از این خطر مصون است. بنابراین، صاحب پول می‌تواند پول را احتکار کند و برای کسب بهره بیشتر صبر کند. به‌همین‌دلیل بازار سرمایه در هیچ زمانی اشباع نمی‌شود و کمبود عرضه مصنوعی پول وجود خواهد داشت و یکی از علل مثبت شدن نرخ بهره در همین نکته نهفته است.

در نظام اسلامی قرض به‌عنوان یکی از عقود معاملاتی دارای احکام مخصوص به خود است و با امضای این قرارداد عقلایی برای صحت آن شرایطی را همچون بدون ربا بودن ذکر کرده‌اند. اما آنچه در اینجا به‌عنوان یک رفتار بررسی شده «قرض‌الحسنه» است که نوع خاصی از قرض می‌باشد. تحقق قرض‌الحسنه شرایط خاصی دارد که آن را از دیگر موارد قرض جدا می‌کند. «تأکید روایات بر توجه داشتن قرض‌دهنده به ثواب اخروی و نیت خدایی داشتن»، همچنین «ناپسند بودن قرض گرفتن در نیازهای غیرضروری در حوزه مصرف» از جمله این شرایط است (کمیجانی و هادوی‌نیا، ۱۳۷۷، ص۲۳۵).

اسلام توجهی ویژه به عدالت اقتصادی دارد و ریشه اصلی بسیاری از مشکلات را نظام ربوی و توزیع ناعادلانه درآمدها می‌داند. بنابراین، هرچه فرصت استفاده از امکانات مالی برای گروه‌های فقیر و کم‌درآمد فراهم شود، تحقق عدالت اجتماعی عملی‌تر خواهد شد. اهمیت قرض‌الحسنه در اعطای وام تولیدی در اقتصاد به این نکته برمی‌گردد که راهکار مقابله با آثار منفی نرخ بهره است. کینز ریشه اصلی بحران اقتصادی دهه ۱۹۳۰ را جدایی بین بخش پولی و واقعی می‌داند و باور دارد که نرخ بهره پولی، که در بازار پولی تعیین می‌شود، باعث نابرابری پس‌انداز و سرمایه‌گذاری می‌شود؛ یعنی باعث می‌شود بخشی از پس‌انداز تبدیل به سرمایه‌گذاری نشود و همین امر باعث کمبود تقاضای مؤثر و بروز رکود و بحران اقتصادی شود؛ بنابراین نرخ بهره پولی از راه محدود کردن سطح اشتغال و پدید آمدن تورم، تأثیر منفی بر بهینگی تخصیص منابع دارد (کینز، ۱۳۸۷، ص۱۷-۴۱۶).

بنابراین نرخ بهره پولی عامل جدایی پس‌انداز و سرمایه‌گذاری است؛ زیرا با توجه به اینکه نرخ بهره پولی حدی است بر بازدهی سرمایه‌گذاری، تمایل کل به سرمایه‌گذاری کاهش می‌یابد و پروژه‌های سرمایه‌گذاری کمتری حائز اولویت انتخاب خواهند شد؛ بنابراین شکاف بین پس‌انداز و

سرمایه‌گذاری بیشتر و رکود عمیق‌تر می‌شود. در نتیجه کل پس‌اندازی که به وسیله خانوارها از نظام خارج می‌شود، به نظام باز نخواهد گشت؛ بلکه فقط بخش کمتری از آن به نظام برمی‌گردد.

در واقع، خاصیت تقسیم ناعادلانه ثروت به وسیله بهره چنین است که در آغاز، همه بـه یـک انـدازه پول در اختیار دارند، ولی در پایان، تنها یک عده محدود پول زیادی در اختیار دارند؛ حال آنکـه ممکـن است برخی هیچ پولی در اختیار نداشته باشند. ریشه اصلی این جابه‌جایی ناعادلانه، نظام بهـره اسـت. براساس‌این، یکی از ریشه‌های اصلی بسیاری از مشکلات اقتصادی جامعـه، ربـا و پرداخـت قـرض و دریافت قرض ربوی است که نظام بانکداری متعارف آن را تثبیت کرده و اشاعه داده است.

بنابراین، مکتب اقتصادی اسلام با تحریم ربا، قرض‌الحسـنه را بـه‌عنوان بهتـرین شـیوه جـایگزین برای متقاضیان قرض به منظور تأمین مالی اقلام مصرف ضـروری قـرار داده کـه توانـایی بازپرداخـت اضافی قرض را ندارند و آن را در حوزه تولید به کار گیرند. براساس‌این، ثروتمنـدان بـا در نظـر گـرفتن پاداش معنوی قرض‌الحسنه می‌توانند آزادانه آن را انجام دهند. در این شیوه، امکـان اسـتفاده امکانـات مالی توسط گروه‌های کم‌درآمد جامعه از قرض‌الحسنه فراهم می‌شود؛ ازاین‌رو می‌توان گفت که نظـام اقتصادی اسلام، قرض‌الحسنه را به‌عنوان یکی از شیوه‌ها و ابزارهای مؤثر برای کاهش نـابرابری توزیـع درآمد در نظر گرفته است و جریان پول را از طبقات ثروتمند به سمت طبقات کم‌درآمد فراهم می‌کند. در نتیجه می‌تواند با ایجاد زمینه تغییر الگوی تولید، افزایش اشتغال و تأمین نیازهای ضـروری طبقـات یادشده برای تثبیت درآمدها میان نیازمندان و عدم تمرکز ثروت نقشی فعال داشته باشد.

مسئله اصلی این پژوهش، تحلیل تأثیر تسهیلات قرض‌الحسنه بر توزیع درآمد در ایران در دوره ۱۳۶۳-۱۳۹۲ است که با اسـتفاده از تکنیک‌هـای توابـع عکس‌العمـل تحریـک (IRF) و تجزیـه واریانس (VD) انجام شده است. نوآوری این مقاله، تحلیل تأثیر تسهیلات قرض‌الحسنه بر توزیـع درآمد در ایران است؛ درحالی‌که در بیشتر پژوهش‌ها به بررسی آثار توسعه مالی بـر توزیـع درآمـد پرداخته شده است.

۲. ادبیات تحقیق

۲ـ۱. ماهیت و اهمیت قرض‌الحسنه در اسلام

قرض در اصطلاح فقهی و حقوقی تملیک مال به دیگری است؛ به‌شرطی‌که قرض‌گیرنده ادای خـود آن مال یا مثل آن را ضامن شود و تعهد کند. قرض‌الحسنه از دید فقهی و حقوقی تحت عقـد قـرض مطرح می‌شود و همان احکام را دارد؛ ولی تحقق آن شـرایط خاصـی دارد کـه آن را از دیگـر مـوارد قرض جدا می‌کند. این شرایط عبارت‌اند از: «نیازمنـد بـودن وام‌گیرنـده» و «انگیزه‌هـای معنـوی و اخروی قرض‌دهنده» (هادوی‌نیا، ۱۳۷۸، ص۱۹).

بنابراین، ماهیت سپرده قرض‌الحسنه جاری و قرض‌الحسنه پس‌انداز، عقد قرض است و مطابق مفاد عقد قرض، مالکیت وجوه به بانک منتقل می‌شود. این انتقال مالکیت، اختیاراتی را برای بانک پدید می‌آورد که آثارش در تخصیص این منابع ظاهر می‌شود؛ به این ترتیب کـه بانک‌هـا بـا لحـاظ کردن ذخایر قانونی و احتیاطی، بخشی از این وجوه را به اعطای وام قرض‌الحسنه اختصـاص داده، بخش دیگر را با دیگر عقود بانکی به‌کار گرفتـه، کسـب سـود می‌کننـد. قـانون و دسـتورالعمل‌های عملیات بانکی بدون ربا نیز به‌طور ضمنی این موضوع را پذیرفته‌انـد؛ به‌طوری‌کـه بانک‌هـا مطـابق دستورالعمل‌های اجرایی قانون عملیات بانکی بدون ربا مجـاز شـده‌اند حـداکثر ده درصـد از کـل تسهیلات اعطایی سالانه خود را در قالب قرض‌الحسنه بپردازنـد، مشـروط بـه اینکـه از جمـع کـل سپرده‌های پس‌انداز قرض‌الحسنه تجاوز نکند.[۱]

در قرآن سیزده بار با واژه‌های گوناگون، سخن از قرض‌الحسنه به میان آمده و بر آن تأکید شده است. بنابراین، هرجاکه کلمه «قرض» آمده به دنبال آن کلمه «حَسناً» نیز آمـده اسـت.[۲] همچنـین در آیـه ۲۰ سوره مزّمّل آمده است: «... **وَ أَقیمُوا الصَّلاةَ وَ آتُوا الزَّکاةَ وَ أَقْرِضُوا اللهَ قَرْضًا حَسَنًا**»؛ یعنی «نمـاز را برپـا دارید و زکات را ادا کنید و به خدا قرض‌الحسنه دهید». در آیه ۱۷ تغابن نیز آمده اسـت: «**إِنْ تُقْرِضُـوا اللهَ قَرْضًا حَسَنًا یُضاعِفْهُ لَکُمْ وَ یَغْفِرْ لَکُمْ وَ اللهُ شَکُورٌ حَلیمٌ**» یعنی «اگر به خدا قرض‌الحسنه دهید، آن را برای شما چند برابر می‌کند و شما را می‌بخشد و خداوند تشکّرکننده و بردبار است». بنـابراین، قرض‌الحسـنه در زمینه تأمین منابع مالی لازم برای فراهم کردن اقلام مصرفی ضروری برای اقشار کم‌درآمد، بـرخلاف کنز پول موجب انتقال قدرت خرید به افراد کم‌درآمد می‌شود و نه تنها از رکود جلوگیری می‌کنـد، بلکـه موجبات افزایش شکوفایی اقتصادی را فراهم می‌نماید.

همچنین، درصورتی‌که منابع قرض‌الحسنه صرف اعطای وام تولیدی شود، می‌تواند بـه سـرمایه گذاری‌های هرچند کوچک منجر شود که آثار مثبت بیشتری برای جامعـه در پـی خواهـد داشـت. براساس‌این، اهمیت قرض‌الحسنه در اقتصاد به این نکته برمی‌گردد که قرض‌الحسنه، راهکار مقابله با آثار منفی نرخ بهره در اقتصاد است؛ یعنی آثار منفی وجود نرخ بهره اعـم از کـاهش وجـوه قابـل استقراض، تغییر استاندارد استانداردها (پول) و در نتیجه ایجاد نااطمینانی و بی‌ثباتی، ایجاد تـورم، ایجاد شکاف بین سرمایه‌گذاری و پس‌انداز، کاهش انگیزه تلاش، کاهش عرضه نیروی کار، کاهش انگیزه کارآفرینی و محدود شدن سطح اشتغال است که قرض‌الحسنه می‌تواند در راستای رفـع ایـن مشکلات نقش داشته باشد.

---

۱. ماده ۵ دستورالعمل اجرایی قرض‌الحسنه اعطایی بانک‌ها در قانون بانکداری بدون ربا.
۲. مانند آیه ۲۴۵ بقره، آیه ۱۱ سوره مائده، آیه ۱۸ سوره حدید

۲ـ۲. تخصیص منابع قرض‌الحسنه

در سیستم بانکداری اسلامی بخشی از سپرده‌های پس‌انداز را با عنوان سپرده‌های پس‌انداز قرض‌الحسنه در نظر گرفته‌اند. این سپرده‌ها شامل مبالغی هستند که پس‌اندازکنندگان به بانک می‌پردازند و در واقع برای خود حساب باز می‌کنند و حق دارند در هر زمان، میزانی معین از حساب خویش برداشت کنند. در سیستم بانکداری متعارف، قسمتی از این سپرده‌ها را به صورت اندوخته نگهداری و از وجوه باقیمانده در اعطای وام استفاده می‌کنند. علت انجام این عمل آن است که تمام صاحبان حساب به‌طور هم‌زمان، تقاضای دریافت پول خود را نخواهند کرد (اکبریان، ۱۳۸۲، ص۵۱۹).

در حساب قرض‌الحسنه وجوه باقیمانده باید بدون گرفتن نرخ بهره برای مصارف قرض‌الحسنه استفاده شود. پس قرض‌الحسنه می‌تواند در سیستم بانکداری اسلامی نیز به صورتی کاملاً نظام‌مند دایر شده، به تأمین مالی نیازمندان کمک کند. بنابراین، در بخش تخصیص منابع در بانکداری بدون ربا، افزون بر عقودی که به منظور انتفاع به کار گرفته می‌شود، بخشی از وجوه خود را نیز در قالب قرض‌الحسنه به متقاضیان اعطا می‌کند.[۱] طبق ماده ۱۶ آیین‌نامه فصل سوم قانون عملیات بانکی بدون ربا، تسهیلات قرض‌الحسنه در موارد ذیل پرداخت می‌شود:

الف) تأمین وسایل و امکانات لازم برای ایجاد کار به صورت تعاونی برای کسانی که این‌گونه امکانات را ندارند؛

ب) کمک به امر افزایش تولید با تأکید بر تولیدات کشاورزی، دامی و صنعتی؛

ج) رفع نیازهای ضروری.

پرداخت قرض‌الحسنه در خصوص بند «الف»، طبق ماده ۲ دستورالعمل اجرایی، به شرکت‌های تعاونی تولیدی و خدماتی برای ایجاد کار اختصاص می‌یابد. اعطای قرض‌الحسنه مذکور در بند «ب»، به کارگاه‌ها و واحدهای تولیدی متعلق به اشخاص حقیقی و حقوقی برای کمک به افزایش تولید، در موارد ذیل، اختصاص می‌یابد:

۱. جلوگیری از توقف کارگاه‌ها و واحدهای تولیدی موجود؛

۲. راه‌اندازی کارگاه‌ها و واحدهای تولیدی راکد؛

۳. توسعه کارگاه‌ها و واحدهای تولیدی کوچک در شهرهای کوچک و روستاها؛

۴. ایجاد کارگاه‌ها و واحدهای تولیدی کوچک در شهرهای کوچک و روستاها؛

---

۱. آنچه که در ماده ۱۵ آیین‌نامه سوم قانون بانکداری بدون ربا آمده این است که منابع قرض‌الحسنه برای رفع احتیاجات ضروری و تأمین وسایل و امکانات لازم برای ایجاد کار و کمک به امر افزایش تولید به کار گرفته شود.

۵. در مواردی که تأمین نیاز کارگاه یا واحد تولیدی با دیگر تسهیلات امکان‌پذیر نیست؛

۶. ایجاد تسهیلات برای اشخاصی که در بخش کشاورزی به فعالیت اشتغال دارند و بـه علـت بروز عوامل نامساعد طبیعی مانند سیل، زلزله، یخبندان، گرما، آفات نباتی و دیگر موارد اضطراری مشابه، دچار زیان شده باشند.

ج) اعطای قرض‌الحسنه، در خصوص بند «ج»، «رفـع نیازهـای ضـرور اشـخاص حقیقـی»، موارد ذیل را متضمن است:

۱. هزینـه‌های ازدواج؛ ۲. تهیـه جهیزیـه؛ ۳. درمـان بیمـاری؛ ۴. تعمیـر و تـأمین مسـکن؛ ۵. کمک هزینه تحصیلی؛ ۶ . کمک برای ایجاد مسکن در روستا؛ ۷ . رفع نیازهای متفرقه.

حداکثر وام قرض‌الحسنه اعطایی به وسیله بانک‌ها ده درصد جمع کل تسهیلات اعطایی در هر سال است، مشروط بر اینکه از جمـع کـل سـپرده‌های پس‌انـداز قرض‌الحسـنه آنهـا بیشـتر نشـود. همچنین، حداکثر سقف تخصیصی برای رفع نیازهای ضروری اشخاص (موجود بنـد ج) نبایـد از ۲۵ درصد کل تسهیلات قرض‌الحسنه بیشتر باشد. زمان بازپرداخت وام قرض‌الحسنه در خصوص واحدهای تولیدی و خدماتی (غیربازرگانی و معدنی) موضـوع مـوارد بنـد «الـف» و «ب» مـاده ۲ دستورالعمل اجرایی قرض‌الحسنه حداکثر ۵ سال و زمان بازپرداخت وام قرض‌الحسـنه بـرای رفـع نیازهای ضروری در مورد اشخاص حقیقی ۳ سال تعیین شده اسـت. کـارمزد وام قرض‌الحسـنه در دسـتورالعمل موجـود حـداکثر ۴ درصـد اسـت، مشـروط بـر اینکـه از هزینـه‌های تجهیـز منـابع قرض‌الحسنه و نیز تخصیص آن تجاوز نکند.

۲ـ۳. اثر قرض‌الحسنه بر توزیع درآمد

توزیع مناسب درآمد یکی از اهداف نظام اقتصادی اسلام است و مکتب اسلام ریشه اصـلی بسـیاری از مشکلات اقتصادی را توزیع ناعادلانه درآمدها می‌داند؛ ازاین‌رو در این مکتب توجهی ویژه بـه رفـع این معضل اجتماعی–اقتصـادی شـده اسـت. توزیـع درآمـد و ثـروت در نظـام اقتصـادی اسـلام بـا معیارهای متفاوتی انجام می‌شود. برخی از این معیارهـا شـرعی و الزامـی و برخـی اختیـاری اسـت. معیارهای الزامی عبارت‌اند از: زکات، خمس، قانون ارث، منع ربا، منع احتکار، منع اسراف و تبـذیر، منع کسب درآمد از طریق مشاغل نامشروع مانند قمار، تقلب و غیره. معیارهـای اختیـاری عبارت‌انـد از: کارهای خیر اختیاری که ثروتمنـدان برحسـب وظیفـه انجـام می‌دهنـد. از آن جملـه می‌تـوان بـه صدقات و قرض‌الحسنه اشاره کرد. قرض‌الحسنه از جمله نهادهایی است کـه نظـام اقتصـادی اسـلام توجهی ویژه به آن داشته و مسـلمانان بـه صـورت اختیـاری و بـدون توقـع هـیچ سـودی، آن را انجـام می‌دهند و می‌تواند نقشی مؤثر در دستیابی به توزیع عادلانه داشته باشد. در اسلام، مردم بـه پرداخـت

قرض‌الحسنه تشویق شده‌اند و بدین‌وسیله بین دنیا و آخرت آنها پیوند ایجاد شده است. پاداش اخروی این کار به‌عنوان یک انگیزه قوی در پرداخت قرض‌الحسنه نقشی بسیار مهم ایفا می‌کند. اثر نهاد قرض‌الحسنه بر توزیع درآمد شامل ویژگی‌های زیر است (هادوی‌نیا، ۱۳۷۸، ص۵۵):

۱. قرض‌الحسنه برخلاف مالیات‌ها سبب انتقال درآمد افراد به دولت نمی‌شود. بنابراین، تخصیص بهینه آنها برای عدالت اقتصادی-اجتماعی به وجود برنامه‌های مناسب در چهارچوب بودجه عمومی وابسته نیست؛

۲. قرض‌الحسنه با مبانی توزیع درآمد در اسلام هماهنگی دارد. در این جهت با احترام کامل به مالکیت خصوصی، قرض‌دهنده وجوه خود را با آزادی و انتخاب در اختیار دیگران قرار می‌دهد و از این کار مطلوبیت کسب می‌کند؛

۳. در اثر اختصاص مبلغ قرض گرفته‌شده به خرید کالاهای ضروری و اساسی، زمینه رشد تولید کالاهای ضروری و اشتغال فراهم می‌شود. بنابراین، انتظار می‌رود که قرض‌الحسنه تولید را متناسب با نیاز واقعی جوامع توسعه‌نیافته جهت دهد؛

۴. قرض‌الحسنه شاخص‌های توزیع مطلوب را داراست؛ زیرا انگیزه‌های کوشش برای تولید بیشتر و رشد را از بین نمی‌برد و در کاهش نگرانی و افزایش امید به زندگی اثربخش بوده، باعث کوشش بیشتر در زندگی روزانه جامعه می‌شود؛

۵. به دلیل سازوکار بازار، قرض‌الحسنه تولیدی شرایطی را ایجاد می‌کند که سهم بیشتری نصیب افراد کوشا، اما بدون سرمایه از ارزش تولید می‌شود. در نتیجه، تزریق درآمد در دهک‌های پایین‌تر فراهم می‌شود.

همچنین، در نظام اقتصاد اسلامی، کسب درآمد از طریق ربای قرضی و معاملی وجود ندارد. این مسئله تأثیری زیاد در توزیع عادلانه درآمد حاصل از تولید بین عوامل شرکت‌کننده در آن را دارد (میرمعزی، ۱۳۷۷، ص۲۱۴). یکی از مفاسد مهم ربا این است که در تأمین سرمایه، صاحب کار اقتصادی صرف‌نظر از عملکرد فعالیت اقتصادی، متعهد به بازپرداخت اصل و فرع وام بانکی است و درآمدی خارج از عملکرد بخش حقیقی اقتصاد شکل می‌گیرد که خود آثاری سوء مانند ناعادلانه شدن توزیع درآمدها و تورم را در پی دارد و توازن اقتصادی کشور از بین می‌رود (موسویان، ۱۳۷۷، ص۲۲۶). در واقع خاصیت تقسیم ناعادلانه ثروت به وسیله بهره چنین است که در آغاز، همه به یک اندازه پول در اختیار دارند؛ ولی در پایان بازی تنها گروهی اندک، پول زیادی دارند؛ حال آنکه شاید گروهی هیچ پولی نداشته باشند. نظام بهره ریشه اصلی این جابه‌جایی ناعادلانه است.

با توجه به پاداش معنوی قرض‌الحسنه، ثروتمندان انگیزه بیشتری در پرداخت قرض‌الحسنه دارند. پرداخت قرض‌الحسنه در این شرایط با اینکه مطلوبیت کل جامعه را افزایش می‌دهد، کاهش

فقر و بهبود وضعیت توزیع درآمد را به دنبال خواهد داشت. آنچه در قرض‌الحسنه اهمیت پیدا می‌کند، نقش بیشتر بخش خصوصی و اتکای کمتر به دولت در تأمین نیازمندان و ایجاد توازن اقتصادی است (میرمعزی، ۱۳۷۷، ص۲۱۴).

بنابراین، طبق اصل پیگو و براساس قانون نزولی بودن مطلوبیت نهایی درآمد، آخرین واحدهای درآمدی برای افراد پردرآمد مطلوبیت کمتری دارند. در مقابل، آخرین واحدهای درآمدی برای افراد کم‌درآمد از مطلوبیت بیشتری برخوردار هستند؛ بنابراین صاحبان درآمدهای بالا در جدا شدن بخش یادشده از درآمدهایشان و انتقال آن به گروه‌های پایین درآمدی، حساسیت چندانی نشان نمی‌دهند. حال با توجه به پاداش معنوی قرض‌الحسنه ثروتمندان انگیزه بیشتری در پرداخت قرض‌الحسنه دارند. پرداخت قرض‌الحسنه در این شرایط با اینکه مطلوبیت کل جامعه از افزایش می‌دهد، کاهش فقر و بهبود وضعیت توزیع درآمد را در پی خواهد داشت.

در واقع، نهاد قرض‌الحسنه را می‌توان جزء نهادهای خصوصی مشارکت مردم در تأمین اهداف اقتصادی دانست. در این نهاد، قرض‌گیرندگان کسانی هستند که اولاً، به پول یا سرمایه غیرنقدی یا کالا، نیازمندند و ثانیاً، قدرت بازپرداخت قرض خود را در آینده دارند؛ برخلاف صدقه‌گیرندگان که قدرت بازپرداخت را به‌هیچ‌وجه ندارند. قرض‌دهندگان نیز کسانی هستند که مازاد درآمد داشته، مایلند بدون انگیزه سود، منافع این مازاد را ایثار کنند. قرض‌دهندگان همچنین می‌توانند شامل کسانی باشند که توان مالی لازم برای قرض دادن را ندارند و با ایجاد صندوق‌های تعاون قرض و همیاری، امکان قرض دادن را فراهم می‌کنند.

براساس‌این، این نهاد برای تحقق دو هدف اعتلای معنوی و عدالت اقتصادی وضع شده است. در این راستا پیگو می‌گوید: براساس قانون نزولی بودن مطلوبیت نهایی درآمد، آخرین واحدهای درآمدی برای افراد پردرآمد مطلوبیت کمتری دارند. در مقابل، آخرین واحدهای درآمدی برای افراد کم‌درآمد مطلوبیت بیشتری دارند؛ بنابراین صاحبان درآمدهای بالا در جدا شدن بخش یادشده از درآمدشان و انتقال آن به گروه‌های پایین درآمدی، حساسیت چندانی نشان نمی‌دهند (دادگر، ۱۳۹۲، ص۲۷).

اثر قرض‌الحسنه را بر توزیع درآمد با دو نگرش خرد و کلان می‌توان بررسی کرد (ابونوری و قاسمی تازه‌آبادی، ۱۳۸۶):

الف) در نگرش خرد به جنبه مصرفی قرض توجه می‌شود که بر طبق آن، شخص با در اختیار داشتن مبلغ قرض در ابتدای دوره به زمان مصرف خود می‌افزاید و در پایان دوره نسبت به بازپرداخت قرض اقدام می‌کند. درصورتی‌که اگر قرض وجود نداشت، فرد باید با پس‌انداز کردن در پایان دوره نیاز خود را رفع می‌کرد که به این ترتیب از دوره مصرفی او کاسته می‌شود. توجه به

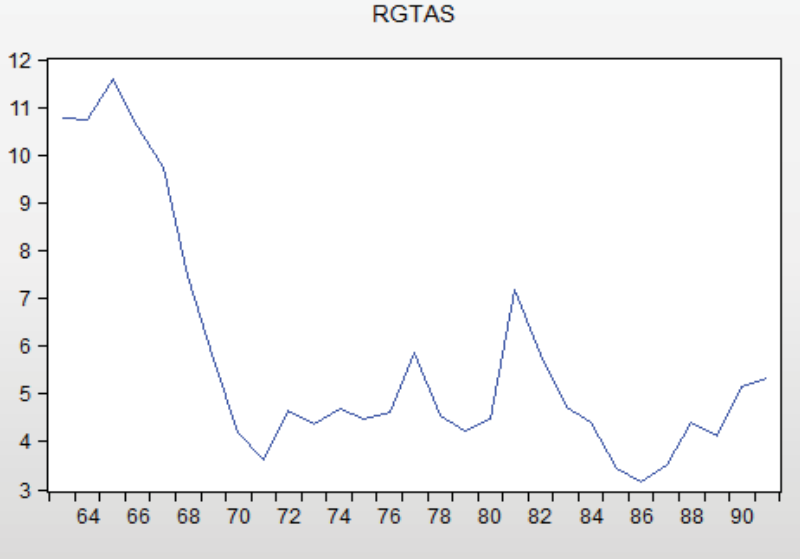
استفاده قرض‌الحسنه تولیدی، به‌ویژه قرض دادن ابزار تولید در امور تولیدی کوچک و همچنین تأمین سرمایه در مورد سرمایه‌های کوچک برای آغاز تولید و تجارت نیز می‌تواند مطرح شود؛

ب) در نگرش کلان باید به نوع سیستم قرض توجه کرد. چنانچه صندوق تعاون قرض بین افرادی تشکیل شود که دارای سطح درآمد یکسانی هستند، می‌توان انتظار داشت که اثر آن به صورت افقی باشد. در واقع، این سیستم باعث می‌شود درآمدی که در هر دوره به طبقات کم‌درآمد اختصاص می‌یابد، در اثر تبدیل به کالای بادوام در همان طبقه تثبیت شده، به طبقه دیگر منتقل نشود؛ ولی در قرض‌الحسنه امکان استفاده بخشی از اموال ثروتمندان به وسیله نیازمندان وجود دارد. بنابراین، در صورت استمرار آن، جریان مداوم ثروت از ثروتمندان به نیازمندان و طبقات کم‌درآمد برقرار و وضعیت توزیع درآمد به نفع طبقات پایین درآمدی می‌شود؛ زیرا حتی در انتقال افقی هم بهره‌مندی از آنِ گروه‌های پایین درآمدی است و این گروه‌های هم‌طبقه با درآمد پایین، صندوق‌های تعاونی قرض‌الحسنه را برای استفاده بهتر از منابع درآمدی تشکیل می‌دهند که به تثبیت درآمد میان این طبقات کمک می‌کند. همچنین، دانشجویان می‌توانند با استفاده از وجوه قرض‌الحسنه در دوران تحصیل، پس از اتمام دوران تحصیلات خود و یافتن شغل و یا ارتقای شغل، نسبت به بازپرداخت آن اقدام کنند. بنابراین، قرض‌الحسنه عاملی است که می‌تواند در دوره‌ای از زمان ظرفیت کسب درآمد افراد خانواده‌ها را تغییر دهد و باعث بهبود توزیع درآمد شود.

۲-۴. حقایق آشکار شده

در نمودار یک نسبت تسهیلات قرض‌الحسنه بانک‌ها و مؤسسه‌های اعتباری غیربانکی به کل تسهیلات اعطایی آنها در دوره ۱۳۶۳-۱۳۹۲ نشان داده شده است. میانگین این نسبت در طول دوره ۵/۷۸ درصد، حداکثر مقدار آن ۱۱/۵۸ درصد و حداقل مقدار آن ۳/۱۵ درصد بوده است. نسبت تسهیلات قرض‌الحسنه بانک‌ها و مؤسسه‌های اعتباری غیربانکی به کل تسهیلات اعطایی از سال ۱۳۶۳ تا پایان جنگ تحمیلی روندی افزایشی داشته و با پایان جنگ و آغاز دوران سازندگی تا سال ۱۳۷۱ این روند کاهشی بوده است. از سال ۱۳۸۰ طبق ماده ۵۶ قانون برنامه سوم توسعه، با اعمال تبصره‌های قانونی برای تخصیص از سپرده‌های قرض‌الحسنه این نسبت تا سال ۱۳۸۲ افزایش یافته است. دوباره از سال ۱۳۸۲ تا سال ۱۳۸۶ این نسبت کاهش یافته و پس از آن این نسبت روندی افزایشی داشته است.

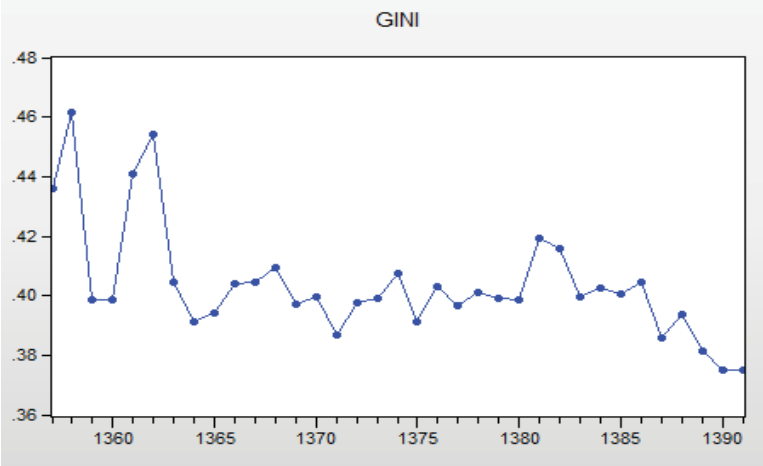
نمودار ۱: نسبت تسهیلات قرض‌الحسنه بانک‌ها و مؤسسه‌های اعتباری غیربانکی به کل تسهیلات اعطایی آنها در دوره ۱۳۶۳-۱۳۹۲



منبع: آمارهای بانک مرکزی

ضریب جینی یکی از مهم‌ترین معیارهای نشان‌دهنده وضعیت توزیع درآمد در جامعه است و به‌عنوان شاخص نابرابری درآمد در نظر گرفته می‌شود. مقدار این ضریب بین صفر و یک است و هرچه مقدار آن به عدد صفر نزدیک‌تر باشد به معنای توزیع برابر درآمد و هرچه که به عدد یک نزدیک‌تر باشد به معنای توزیع نابرابرتر درآمد است. براساس این معیار، در طبقه‌بندی کشورها براساس واقعیت‌های موجود، کشورهایی که دارای ضریب جینی بیش از ۰/۵ باشند، کشورهای با توزیع درآمد نابرابر هستند. کشورهایی که ضریب جینی آنها بین ۰/۴ و ۰/۵ قرار دارد، کشورهای با توزیع درآمد کمتر نابرابر هستند. سرانجام کشورهایی با ضریب جینی کمتر از ۰/۴ کشورهای با توزیع درآمد خوب هستند. براساس آمارهای بانک مرکزی ایران، ضریب جینی به‌عنوان شاخص نابرابری درآمد در نمودار (۲) در دوره ۱۳۵۷-۱۳۹۱ نشان داده شده است.

نمودار ۲: ضریب جینی به‌عنوان شاخص نابرابری درآمد در ایران



منبع: آمارهای بانک مرکزی

براساس‌این نمودار در سال‌های ابتدایی انقلاب یعنی سال ۱۳۵۹، توزیع درآمد بهبود و ضریب جینی از عدد ۰/۴۶ به عدد ۰/۳۹۸ کاهش یافته است؛ ولی با آغاز جنگ تحمیلی و افزایش هزینه‌های نظامی به وسیله دولت، شاخص نابرابری درآمدی افزایش یافته و تا سال ۱۳۶۲ به عدد ۰/۴۵۴رسیده است. دولت با اجرای سیاست نظام کالابرگی و تثبیت قیمت‌ها در مقطعی توانسته نابرابری درآمد را کاهش دهد. با پایان جنگ و آغاز دوره بازسازی در برنامه اول توسعه، ضریب جینی از ۰/۴۰۹ در سال ۱۳۶۸ به ۰/۳۸۷ در سال ۱۳۷۱ کاهش یافته است. پس از آن، آثار منفی اجرای برنامه تعدیل اقتصادی در دولت سازندگی مانند تورم شدید ۴۹ درصدی در سال ۱۳۷۴ باعث افزایش شاخص نابرابری درآمد به عدد ۰/۴۰۷ شده است. در برنامه پنجم توسعه، با اجرای قانون مالیات بر ارزش افزوده[1] در سال ۱۳۸۷ ضریب جینی به‌عنوان شاخص نابرابری درآمد از ۰/۳۸۶ در سال ۱۳۸۷ به ۰/۳۹۴در سال ۱۳۸۸ افزایش یافته که می‌تواند ناشی از تورم مقطعی باشد. همچنین، با اجرای قانون هدفمندی یارانه‌ها[2] در سال ۱۳۸۹ شاخص نابرابری درآمد از ۰/۳۸۱ به ۰/۳۷۵ کاهش یافته است.

۱. قانون مالیات بر ارزش افزوده با اختیارات ناشی از ماده ۸۵ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در ۵۳ ماده و ۴۷ تبصره در تاریخ ۱۳۸۷/۲/۱۷ در کمیسیون اقتصادی مجلس شورای اسلامی تصویب و به مدت آزمایشی ۵ سال از تاریخ اول مهرماه ۱۳۸۷ به اجرا گذاشته شده است. از ابتدای سال ۱۳۹۳ میزان این مالیات از ۶ به ۸ درصد افزایش یافته است.

۲. قانون هدفمند کردن یارانه‌ها در زمستان ۱۳۸۷ به صورت لایحه از سوی دولت نهم جمهوری اسلامی ایران ارائه شد و پس از تغییراتی به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید و از آذرماه ۱۳۸۹ اجرایی شد.

۳. پیشینه تحقیق

بیشتر پژوهش‌ها رابطه بین توسعه مالی با نابرابری درآمد یا رشد اقتصادی در کشورهای مختلف را بررسی کرده‌اند و توجهی چندان به نقش تسهیلات قرض‌الحسنه بر توزیع درآمد نداشته‌اند، هرچند برخی پژوهش‌های داخلی به بررسی جایگاه قرض‌الحسنه در نظام بانکداری پرداخته‌اند. بنابراین در ادامه به برخی از پژوهش‌های مهم مرتبط پرداخته می‌شود.

لیانگ[1] (۲۰۰۶) در مقاله‌ای رابطه میان توسعه مالی و نابرابری توزیع درآمد را بررسی کرده است. نتایج حاصل از به‌کارگیری داده‌های ۲۹ استان چین در دوره ۱۹۸۶-۲۰۰۰ با استفاده از روش GMM نشان می‌دهد که توسعه مالی به‌طور معناداری باعث کاهش نابرابری درآمد شهری در چین شده است.

آنگ[2] (۲۰۱۰) در مقاله‌ای رابطه میان بخش مالی و نابرابری درآمد را در هند بررسی کرده است. نتایج حاصل از به‌کارگیری روش خود رگرسیون‌برداری با وقفه‌های توزیعی (ARDL) در دوره ۱۹۵۱-۲۰۰۳ نشان می‌دهد که توسعه مالی نقشی مهم در کاهش نابرابری درآمد داشته است.

دهریفی[3] (۲۰۱۳) در مقاله‌ای رابطه بین توسعه مالی، فقر و نابرابری و رشد اقتصادی را بررسی کرده است. نتایج حاصل از به‌کارگیری داده‌های کشورهای توسعه‌یافته و در حال توسعه در دوره زمانی ۱۹۹۰-۲۰۱۱ نشان می‌دهد که توسعه مالی باعث بهبود رشد اقتصادی و کاهش فقر در کشورهای با درآمد متوسط و بالا می‌شود؛ درحالی‌که توسعه مالی در کشورهای کم‌درآمد اثری مثبت بر اقتصاد نداشته است. همچنین، توسعه مالی باعث نابرابری بیشتر درآمد در کشورهای با درآمد متوسط شده است؛ ولی باعث بهبود توزیع درآمد در کشورهای با درآمد بالا شده است.

صلاح‌الدین و همکاران[4] (۲۰۱۴) در مقاله‌ای تأثیر توسعه مالی بر فقر در بنگلادش را بررسی کرده‌اند. نتایج حاصل از به‌کارگیری الگوی خودرگرسیونی با وقفه‌های توزیعی (ARDL) همراه با شکست ساختاری در دوره ۱۹۷۵-۲۰۱۱ نشان می‌دهد که یک رابطه بلندمدت میان توسعه مالی، رشد اقتصادی و فقر در بنگلادش وجود دارد و باعث کاهش فقر می‌شود.

عرب‌مازار و کیقبادی (۱۳۸۵) در مقاله خود نشان داده‌اند که سهم سپرده‌های قرض‌الحسنه از کل سپرده‌ها از ۲۵ درصد به تدریج کاهش یافته است. علت آن نیز به‌طور عمده کاهش ارزش مداوم سپرده‌های بانکی در اثر تورم و تمایل مردم به سپرده‌گذاری در حساب‌های سرمایه‌گذاری مدت‌دار برای کسب سود بوده است.

---

1. Liang
2. Ang
3. Dhrifi
4. Salah Uddin & etal

محمدغفاری (۱۳۸۵) در مقاله‌ای سازوکار عملکرد صندوق‌های قرض‌الحسنه را بر توزیع درآمد در دو سیستم صندوق تعاون قرض و صندوق معاونت قرض بررسی کرده است. در صندوق تعاون قرض، قرض‌دهندگان که از یک طبقه درآمدی هستند، وجهی را به‌عنوان سپرده در اختیار صندوق قرض قرار می‌دهند تا پس از جمع‌آوری در صورت تحقق شرایط معین به اعضا وام داده شود. در صندوق معاونت قرض، قرض‌دهندگان از طبقه درآمدی بالاتر هستند و برای کمک به طبقات درآمدی پایین‌تر، بخشی از نقدینگی خود را به صندوق می‌دهند تا به افراد مورد نظر صندوق وام داده شود. نتایج توصیفی نشان می‌دهد که صندوق تعاون قرض به افراد عضو، این امکان را می‌دهد که پس‌اندازهای خرد به صورت کارا برای رفع نیازهای اساسی آنها به‌کار گرفته شود و باعث کاهش فاصله میان فقیر و غنی شود.

ابونوری و قاسمی تازه‌آبادی (۱۳۸۶) نشان داده‌اند که فعالیت‌های صندوق‌های قرض‌الحسنه در ۱۵ استان اثر کاهشی معناداری بر نابرابری درآمد داشته است و در ۴ استان اثر افزایشی معنادار بر نابرابری درآمد داشته است.

احمدی و همکاران (۱۳۸۷) قرض‌الحسنه را به‌عنوان ابزاری مناسب برای بانکداری اسلامی در توجه به حرمت ربا می‌دانند و با بررسی عملکرد نهاد قرض‌الحسنه در تسهیلات بانک‌ها نشان می‌دهند که سهم تسهیلات قرض‌الحسنه از کل تسهیلات اعطایی بانک‌ها پس از اجرای قانون بانکداری بدون ربا روندی کاهشی داشته است. سرانجام می‌گویند که تسهیلات قرض‌الحسنه افزون بر تأمین نیازهای اساسی، با تغییر الگوی تولید، ایجاد اشتغال و کاهش انحصار بر برابرسازی درآمد مؤثر است.

جندقی میبدی (۱۳۸۷) رابطه میان عقود قرض‌الحسنه، عقود مبادله‌ای و عقود مشارکتی با فقر را بررسی کرده است. نتایج توصیفی نشان می‌دهد که قرض‌الحسنه و عقود مشارکتی می‌تواند باعث کاهش فقر در جامعه شود؛ ولی عقود مبادله‌ای با بازدهی ثابت تعیین‌شده در عمل سیستم بانکی را ربوی می‌کند و نمی‌تواند در نیل به هدف اجتماعی در نظام اقتصادی اسلام کمک کند.

دهمرده و شکری (۱۳۸۹) رابطه میان توسعه مالی و توزیع درآمد در ایران را بررسی کرده‌اند. نتایج به‌کارگیری مدل خود رگرسیون با وقفه‌های توزیعی در دوره (۱۳۵۲–۱۳۸۵) نشان می‌دهد که توسعه مالی باعث کاهش نابرابری درآمد شده است.

قنبری و همکاران (۱۳۹۰) در مقاله‌ای تأثیر توسعه مالی بر توزیع درآمد را بررسی کرده‌اند. نتایج به‌کارگیری روش گشتاور تعمیم‌یافته (GMM) در دوره ۱۳۵۰–۱۳۸۵ در ایران بیانگر رابطه منفی و معنادار توسعه مالی و نابرابری درآمد بوده است. همچنین، شواهد کافی بر رابطه U معکوس میان توسعه مالی و نابرابری درآمد در ایران وجود ندارد.

صامتی و سجادی (۱۳۹۱) در مقاله‌ای تأثیر توسعه مالی و نابرابری درآمد را در منتخبی از

کشورهای در حال توسعه با سطح توسعه انسانی متوسط و درآمد سرانه بالاتر از میانگین جهانی بررسی کرده‌اند. نتایج به‌کارگیری الگوی داده‌های تابلویی در دوره ۱۹۸۴-۲۰۰۵ بیانگر وجود رابطه خطی و منفی بین توسعه مالی و توزیع درآمد بوده است.

حسینی و خزاعی (۱۳۹۳) در مقاله‌ای تأثیر توسعه مالی بر فقر و نابرابری درآمد در کشورهای عضو اکو را بررسی کرده‌اند. نتایج به‌کارگیری الگوی داده‌های تابلویی در دوره ۲۰۰۲-۲۰۱۱ نشان می‌دهد که توسعه مالی تأثیری منفی بر سرمایه‌گذاری خانوارها داشته است. همچنین، اعتبارات تخصیصی به بخش خصوصی بر وضعیت شاخص توسعه انسانی اثری معکوس داشته است.

دیزجی و آهنگری (۱۳۹۴) در مقاله‌ای تأثیر توسعه مالی بر توزیع درآمد را در کشورهای توسعه‌یافته و در حال توسعه بررسی کرده‌اند. نتایج به‌کارگیری روش حداقل مربعات تعمیم‌یافته (GLS) و با استفاده از داده‌های ۳۲ کشور در حال توسعه و ۳۵ کشور توسعه‌یافته در دوره زمانی ۲۰۰۰-۲۰۱۳ نشان می‌دهد که افزایش نهادها و مؤسسه‌های مالی باعث کاهش نابرابری درآمد شده است.

مهرگان و خوش اخلاق (۱۳۹۵) در مقاله‌ای به بررسی اثر تسهیلات قرض‌الحسنه بر توزیع درآمد با استفاده از شاخص سهم نسبی درآمدی دهک‌ها در ایران در دوره ۱۳۶۱-۱۳۹۱ با استفاده از روش خودهمبسته با وقفه‌های توزیعی پرداخته‌اند. نتایج نشان می‌دهد که افزایش تسهیلات قرض‌الحسنه به بهبود توزیع درآمد منجر شده است.

۴. روش‌شناسی و برآورد الگو

در مبانی نظری اقتصاد متعارف به رابطه میان توسعه مالی، گسترش نظام بانکی و توزیع درآمد پرداخته شده است؛ ولی در نظام بانکداری بدون ربا اعطای تسهیلات و وام به‌صورت قرض‌الحسنه مدنظر است. در این مقاله آثار تسهیلات قرض‌الحسنه و برخی متغیرهای کلان بر توزیع درآمد تحلیل می‌شود. برخی از این عوامل عبارت‌اند از:

تولید ناخالص داخلی سرانه

کوزنتس[1] (۱۹۵۵) که نخستین مطالعه درباره رابطه میان تولید ناخالص داخلی و توزیع درآمد را انجام داده می‌گوید در مراحل نخستین رشد اقتصادی نابرابری درآمد افزایش می‌یابد و با تداوم رشد اقتصادی رشد نابرابری نیز کاهش می‌یابد. همچنین، وی نشان می‌دهد که توزیع درآمد در کشورهای کمتر توسعه‌یافته نسبت به کشورهای توسعه‌یافته، نابرابرتر است.

1. Kuznets

تورم

افزایش سطح عمومی قیمت‌ها در هر کشور درصورتی‌که بـا افـزایش درآمـد نسـبی طبقـات مختلـف درآمدی متناسب نباشد و سطح قیمت‌های نسـبی کالاهـایی کـه توسـط گروه‌هـای خـاص درآمـدی مصرف می‌شود را تغییر دهد، باعث می‌شود که بر توزیع درآمد و رفاه مؤثر باشد. بنابراین، نـرخ تـورم به دلیل اثرگذاری بر تخصیص و توزیع درآمد، رفاه گروه‌های مختلف را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

تجارت خارجی

در بحث تحلیل آثار تجارت خارجی بر توزیع درآمد، هرچه موانع تجاری مانند تعرفه‌ها و ممنوعیت‌های تجارت خارجی کمتر باشد، اختلاف قیمت‌های داخلی با قیمت‌های خارجی کمتر خواهد بود؛ بنابراین، توزیع درآمد تحت تأثیر قرار می‌گیرد و الگوی مورد نظر به صورت زیر مطرح می‌شود:

$$gini = f(lgdpp, inflation, ltrade, lgtas) \quad (۱)$$

که در آن gini ضریب جینی، lgdpp لگاریتم تولید ناخـالص داخلـی سـرانه، inflation نرخ تورم، ltrade لگاریتم نسبت مجموع صادرات و واردات کالاها و خدمات به تولید ناخـالص داخلی به‌عنوان شاخص باز بـودن اقتصـاد و lgtas لگـاریتم تسـهیلات قرض‌الحسـنه بانک‌هـا و مؤسسه‌های اعتباری غیربانکی است. تحلیل آثار تسهیلات قرض‌الحسنه بر توزیع درآمد با استفاده از تکنیک‌های توابع عکس‌العمل تحریک (IRF) و تجزیه واریانس (VD) در دوره ۱۳۶۳-۱۳۹۲ در ایران انجام می‌شود. آمارهای سری زمـانی مربـوط بـه ضـریب جینـی، نـرخ تـورم و تسـهیلات قرض‌الحسنه اعطایی بانک‌ها و مؤسسه‌های اعتباری غیربانکی از پایگاه اطلاع‌رسانی بانک مرکزی و داده‌های نسبت مجموع صادرات و واردات کالاها و خدمات به تولید ناخـالص داخلـی و تولیـد ناخالص داخلی سرانه از پایگاه بانک جهانی گرفته شده است.

۴ـ۱. آزمون ریشه واحد

برای جلوگیری از به‌کار بردن رگرسیون کاذب باید پایایی متغیرها بررسی شود. بنـابراین، آزمـون ریشـه واحد در این مقاله با استفاده از آزمون دیکی فولر تعمیم‌یافته صورت می‌گیرد. اگر آماره آزمـون از قـدر مطلق کمیت بحرانی ارائه شده بیشتر باشد، فرضیه صفر یا وجود ریشه واحد رد می‌شود و متغیرها پایـا هستند. تعداد وقفـه‌های بهینـه بـا اسـتفاده از معیـار اطلاعـات آکائیـک[1] (AIC)، شـوارتز[2] (SC) و حنان کوئیک[3] (HQ) تعیـین می‌شـود. در نمونـه‌های بـا حجـم کمتـر از ۱۰۰ معیـار شـوارتز (SC)

1. Akaike information criterion
2. Schwarz information criterion
3. Hannan Quik

مناسب‌تر است؛ زیرا برای از دست دادن درجه آزادی کمتر وقفه کمتری را در نظر می‌گیرد. نتایج آزمون ریشه واحد در جدول (۱) گزارش شده است.

جدول ۱: آزمون ریشه واحد با استفاده از آزمون دیکی فولر تعمیم‌یافته

متغیر	آماره آزمون		نتیجه آزمون
	با عرض از مبدأ	با عرض از مبدأ و روند	
gini	-۲/۸۷	-۳/۰۴	$I(1)$
dgini	-۷/۹۱	-۸/۰۳	
lgdpp	-۰/۰۵	-۰/۷۸	$I(1)$
dlgdpp	-۴/۱۸	-۶/۲۳	
inflation	-۲/۹۸	-۲/۴۷	$I(1)$
dinflation	-۶/۱۰	-۵/۹۱	
ltrade	-۱/۵	-۲/۱۸	$I(1)$
dltrade	-۳/۹۸	-۳/۹	
Lgtas	-۱/۰۹	-۳/۴۷	$I(1)$
dlgtas	-۵/۷۱	-۵/۵۱	

* مقادیر بحرانی در سطح اهمیت ۵ درصد با عرض از مبدأ ۲/۹۷- با عرض از مبدأ و روند ۳/۵۸- است.
منبع: نتایج تحقیق

نتایج آزمون دیکی فولر تعمیم‌یافته نشان می‌دهد که در سطح اطمینان ۹۵ درصد متغیرهای مدل پایا از درجه یک هستند. بنابراین، باید وجود رابطه همگرایی بلندمدت بین متغیرهای الگو آزمون شود.

۴-۲. آزمون مرتبه ماتریس الگو

تعیین مرتبه ماتریس برای تعیین تعداد بردارهای هم‌جمعی بلندمدت انجام می‌شود. برای تعیین مرتبه ماتریس از آزمون حداکثر مقدار ویژه[1] استفاده می‌شود. نتایج آزمون مرتبه ماتریس الگو در جدول (۲) گزارش شده است.

جدول ۲: آزمون مرتبه ماتریس الگو (آماره آزمون λ_{max})

مقدار بحرانی	آماره آزمون	فرضیه صفر	فرضیه مقابل
۶۰/۰۶	۸۲/۰۴	$r=0$	$r=1$
۴۰/۱۷	۴۷/۳۴	$r\leq 1$	$r=2$
۲۴/۲۷	۱۸/۸۲	$r\leq 2$	$r=3$

منبع: نتایج تحقیق

آماره آزمون حداکثر مقدار ویژه برابر ۸۲/۰۴ است و از مقدار بحرانی ۶۰/۰۶ در سطح

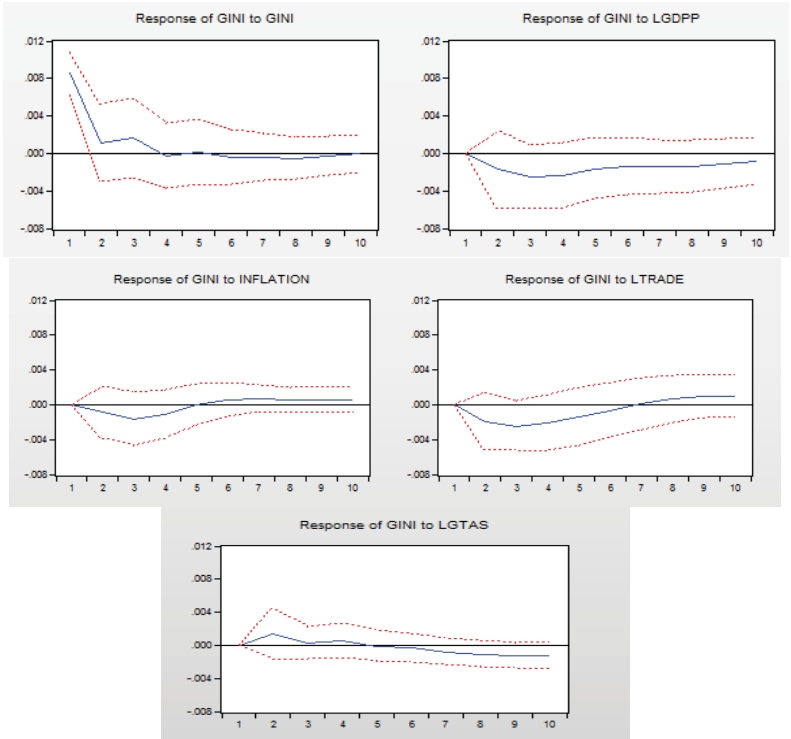
1. Maximum Eigenvalue

اطمینان ۹۵ درصد بیشتر است؛ بنابراین فرضیه صفر مبنی بر نبود رابطه بلندمدت میان متغیرهای الگو رد می‌شود. برای تعیین وقفه‌های بهینه در برآورد الگو از معیار اطلاعات شوارتز استفاده می‌شود؛ زیرا معیار شوارتز برای داده‌های با حجم نمونه کمتر از ۱۲۰ دقیق‌ترین معیار اطلاعاتی است. وقفه بهینه الگوی خودرگرسیون برداری برابر با دو تعیین شده است.

۴-۳. توابع عکس‌العمل تحریک

توابع عکس‌العمل تحریک، اثر عکس‌العمل یک متغیر درون‌زا را نسبت به تغییر یکی از جملات اخلال در طول زمان نشان می‌دهد. در نمودار (۳) واکنش پویای متغیر ضریب جینی نسبت به شوک‌های لگاریتم تولید ناخالص داخلی سرانه، نرخ تورم، لگاریتم شاخص باز بودن تجارت و لگاریتم تسهیلات قرض‌الحسنه بانک‌ها و مؤسسه‌های اعتباری غیربانکی است. خط میانی تابع عکس‌العمل تحریک، بیانگر واکنش ضریب جینی به یک شوک متغیرهای الگوست. خطوط نقطه‌ای نیز نشان‌دهنده بازده اطمینان یا انحراف استاندارد معین است. محور افقی دوره‌های زمانی تأثیرگذاری شوک و محور عمودی میزان اثرگذاری شوک را نشان می‌دهد.

نمودار ۳: واکنش پویای ضریب جینی نسبت به متغیرهای الگو



براساس نمودار (۳)، وقوع یک شوک مثبت در لگاریتم تولید ناخالص داخلی سرانه تا دو و نیم دوره باعث کاهش ضریب جینی و نابرابری درآمد می‌شود و پس از آن باعث افزایش آن می‌شود. وقوع یک شوک مثبت در تورم، نیز تا دوره دو و نیم دوره باعث کاهش ضریب جینی و پس از آن باعث افزایش ضریب جینی و نابرابری درآمد می‌شود. وقوع یک شوک مثبت در لگاریتم شاخص باز بودن اقتصاد تا دو و نیم دوره باعث کاهش ضریب جینی می‌شود و پس از آن ضریب جینی را افزایش می‌دهد. وقوع یک شوک مثبت در لگاریتم تسهیلات قرض‌الحسنه بانک‌ها و مؤسسه‌های اعتباری غیربانکی تا یک و نیم دوره باعث افزایش ضریب جینی و پس از آن باعث کاهش ضریب جینی و نابرابری درآمد شده است، هرچند کاهش نابرابری درآمد ناچیز بوده است.

دلیل آثار ناچیز تسهیلات قرض‌الحسنه بانک‌ها و مؤسسه‌های اعتباری غیربانکی در توضیح ضریب جینی آن است که بررسی عملکرد بانک‌ها و مؤسسه‌های اعتباری غیربانکی در پرداخت تسهیلات قرض‌الحسنه نشان می‌دهد که سهم تسهیلات قرض‌الحسنه از کل تسهیلات پرداختی آنها در بیشتر سال‌های پس از اجرای قانون عملیات بانکی بدون ربا روندی کاهشی داشته و توجهی کمتر به گسترش این نهاد در دسترسی به اهداف قانون عملیات بانکی بدون ربا شده است.

براساس داده‌های بانک مرکزی، میانگین نسبت تسهیلات قرض‌الحسنه بانک‌ها و مؤسسه‌های اعتباری غیربانکی به کل تسهیلات اعطایی آنها در دوره ۱۳۶۳-۱۳۹۲، برابر ۵/۷۸ درصد، حداکثر مقدار آن ۱۱/۵۸ درصد در سال ۱۳۶۵ یعنی دو سال پس از اجرای قانون بانکداری بدون ربا و حداقل مقدار آن ۳/۱۵ درصد در سال ۱۳۸۶ بوده است، هرچند از سال ۱۳۸۶ نسبت تسهیلات قرض‌الحسنه بانک‌ها و مؤسسه‌های اعتباری غیربانکی به کل تسهیلات اعطایی آنها دوباره از ۳/۱۵ به ۵/۳۱ درصد در سال ۱۳۹۲ افزایش یافته است. بنابراین، حداکثر وام قرض‌الحسنه پرداختی بانک‌ها و مؤسسه‌های اعتباری غیربانکی ده درصد جمع کل تسهیلات اعطایی در هر سال است، مشروط بر اینکه از جمع کل سپرده‌های پس‌انداز قرض‌الحسنه آنها بیشتر نشود. همچنین، حداکثر سقف تخصیصی برای رفع نیازهای ضروری اشخاص (موجود بند ج) نباید از ۲۵ درصد کل تسهیلات قرض‌الحسنه بیشتر باشد؛ ولی آنچه که در عمل اتفاق افتاده نشانگر عملکرد ضعیف بانک‌ها و مؤسسه‌های اعتباری غیربانکی در پرداخت تسهیلات قرض‌الحسنه طبق ماده ۱۶ آیین‌نامه فصل سوم قانون عملیات بانکی بدون ربا بوده است.

۴-۴. تجزیه واریانس

برای بررسی سهم بی‌ثباتی متغیرها در توجیه نوسانات یک متغیر خاص از تجزیه واریانس استفاده می‌شود. نتایج مربوط به تجزیه واریانس ضریب جینی در جدول (۲) گزارش شده است. در این

جدول، ستون اول از سمت راست دوره تحلیل ۱۰ ساله و ستون دوم، خطای پیش‌بینی متغیر در افق پیش‌بینی را نشان می‌دهد. با توجه به اینکه خطای پیش‌بینی در هر سال براساس خطای سال پیش محاسبه می‌شود، طی دوره مورد بررسی همواره افزایش می‌یابد. ستون‌های بعدی سهم بی‌ثباتی متغیرها در توجیه نوسانات یک متغیر خاص را نشان می‌دهد. براساس نتایج، در دوره اول صد در صد توضیحات ضریب جینی توسط خودش توضیح داده می‌شود؛ ولی با افزایش دوره مورد بررسی، تأثیر متغیرهای مستقل در توضیح ضریب جینی افزایش می‌یابد؛ به‌طوری‌که در دوره دهم ۵۷/۰۱ درصد از تغییرات ضریب جینی به‌وسیله خودش و بقیه به‌وسیله متغیرهای دیگر مؤثر بر آن توضیح داده می‌شود.

تجزیه واریانس ضریب جینی نشان می‌دهد که در سال اول تا دهم ضریب جینی بیشترین سهم را در توضیح ضریب جینی دارد و سهم آن از ۱۰۰ درصد در سال اول به ۵۷/۰۱ درصد در سال دهم کاهش یافته است. همچنین، در پایان سال دهم لگاریتم تولید ناخالص داخلی سرانه بالاترین سهم در میان دیگر متغیرها در توضیح ضریب جینی داشته است و سهم آن در سال دهم به ۱۸/۸۰ درصد افزایش یافته است. در سال دهم، سهم لگاریتم شاخص باز بودن تجارت، لگاریتم تسهیلات قرض‌الحسنه بانک‌ها و مؤسسه‌های اعتباری غیربانکی و تورم در توضیح ضریب جینی به ترتیب ۱۳/۹۷، ۵/۳۰ و ۴/۸۹ درصد بوده است. بنابراین، لگاریتم تسهیلات قرض‌الحسنه بانک‌ها و مؤسسه‌های اعتباری غیربانکی هرچند در توضیحات ضریب جینی سهمی کمتر از ۵ درصد داشته‌اند، ولی بعد از یک و نیم دوره باعث کاهش ناچیز ضریب جینی و نابرابری درآمد شده است. دلیل سهم اندک تسهیلات قرض‌الحسنه بانک‌ها و مؤسسه‌های اعتباری غیربانکی در توضیح ضریب جینی آن است که بررسی عملکرد نهاد قرض‌الحسنه در سطح تسهیلات بانک‌ها نشان می‌دهد که سهم این تسهیلات از کل تسهیلات پرداختی بانک‌ها در بیشتر سال‌های پس از اجرای قانون عملیات بانکی بدون ربا روندی کاهشی داشته است و توجهی کمتر به گسترش این نهاد در دسترسی به اهداف قانون عملیات بانکی بدون ربا شده است.

جدول ۳: تجزیه واریانس لگاریتم ضریب جینی

سال	S.E	gini	lgdpp	inflation	ltrade	lgtas
۱	۰/۸۵۳	۱۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰
۲	۰/۹۱۲	۸۹/۰۳	۳/۵۲	۰/۹۷۸	۴/۳۶	۲/۰۹
۳	۱/۰۰۶	۷۵/۶۳	۹/۱۶	۳/۶۶	۹/۷۲	۱/۸۰
۴	۱/۰۰۶	۶۷/۸۴	۱۳/۱۲	۴/۳۷	۱۲/۷۷	۱/۸۸
۵	۱/۰۸۴	۶۵/۲۲	۱۴/۸۱	۴/۲۰	۱۴/۰۰	۱/۸۲
۶	۱۰/۰۹۸	۶۳/۷۴	۱۶/۰۸	۴/۳۷	۱۳/۹۲	۱/۸۶
۷	۱/۱۱۳	۶۲/۲۲	۱۷/۳۰	۴/۵۸	۱۳/۵۵	۲/۳۳
۸	۱/۱۳۲	۶۰/۴۱	۱۸/۳۱	۴/۶۷	۱۳/۴۲	۳/۱۶
۹	۱/۱۵۱	۵۸/۵۱	۱۸/۷۶	۴/۷۷	۱۳/۶۷	۴/۲۷
۱۰	۱/۱۶۶	۵۷/۰۱	۱۸/۸۰	۴/۸۹	۱۳/۹۷	۵/۳۰

منبع: نتایج تحقیق

۵. نتیجه‌گیری و پیشنهادها

در نظام اقتصادی اسلام، قرض‌الحسنه به‌عنوان یکی از شیوه‌ها و ابزارهای مؤثر برای کاهش نابرابری توزیع درآمد در نظر گرفته شده است و جریان پول را از طبقات ثروتمند به سوی طبقات کم‌درآمد سوق می‌دهد؛ در نتیجه می‌تواند با ایجاد زمینه تغییر الگوی تولید، افزایش اشتغال و تأمین نیازهای ضروری طبقات یادشده برای تثبیت درآمدها میان نیازمندان و عدم تمرکز ثروت نقشی فعال داشته باشد. بنابراین، قرض‌الحسنه با انتقال دوره‌ای درآمدها از ثروتمندان به نیازمندان و نگرفتن سود، منافعی را برای نیازمندان در پی خواهد داشت و وضعیت توزیع درآمد را تغییر خواهد داد. با وجود این، کاهش فقر در جامعه اسلامی و تعدیل توزیع درآمدها به حجم قرض‌الحسنه و گسترش آن در جامعه اسلامی و شدت فقر و نابرابری بستگی دارد.

در این مقاله تأثیر تسهیلات قرض‌الحسنه بر توزیع درآمد در ایران با استفاده از تکنیک‌های توابع عکس‌العمل تحریک (IRF) و تجزیه واریانس (VD) در دوره ۱۳۶۳-۱۳۹۲ تحلیل شد. نتایج توابع عکس‌العمل تحریک نشان می‌دهد که وقوع یک شوک مثبت در تسهیلات قرض‌الحسنه بانک‌ها و مؤسسه‌های اعتباری غیربانکی تا یک و نیم دوره باعث افزایش نابرابری درآمد می‌شود؛ ولی پس از آن تا دوره دهم باعث کاهش نابرابری درآمد شده است، هرچند کاهش نابرابری درآمد در واکنش به لگاریتم تسهیلات قرض‌الحسنه بانک‌ها و مؤسسه‌های اعتباری غیربانکی اندک بوده است.

همچنین، نتایج تجزیه واریانس نشان می‌دهد که لگاریتم تسهیلات قرض‌الحسنه بانک‌ها و مؤسسه‌های اعتباری غیربانکی، سهم ۵/۳۰ درصدی را در توضیح ضریب جینی داشته است و تجزیه واریانس ضریب جینی نشان می‌دهد که در سال اول تا دهم، ضریب جینی بیشترین سهم را در توضیح خود داشته است. در پایان سال دهم لگاریتم تولید ناخالص داخلی سرانه نیز بالاترین سهم در میان دیگر متغیرها در توضیح ضریب جینی داشته است. دلیل سهم اندک تسهیلات قرض‌الحسنه بانک‌ها و مؤسسه‌های اعتباری غیربانکی در توضیح لگاریتم ضریب جینی آن است که بررسی عملکرد نهاد قرض‌الحسنه در سطح تسهیلات بانک‌ها و مؤسسه‌های اعتباری غیربانکی نشان می‌دهد که سهم تسهیلات قرض‌الحسنه از کل تسهیلات پرداختی بانک‌ها در بیشتر سال‌های پس از اجرای قانون عملیات بانکی بدون ربا روندی کاهشی داشته و توجهی کمتر به گسترش این نهاد در دسترسی به اهداف قانون عملیات بانکی بدون ربا شده است. بنابراین، با توجه به حجم زیاد سپرده‌های جاری قرض‌الحسنه در بانک‌ها و مؤسسه‌های اعتباری غیربانکی، چنانچه حداکثر وام قرض‌الحسنه پرداخت و نظام تخصیص تسهیلات قرض‌الحسنه به‌درستی انجام شود، می‌تواند برای اهداف بهبود توزیع درآمدها در جامعه عمل کند. براساس‌این، در مجموع، قرض‌الحسنه می‌تواند به‌عنوان ابزاری مفید در راستای تحقق اهداف توزیعی و فقرزدایی عمل کند و به‌همین‌دلیل می‌توان آن را سازگار با اهداف توزیعی جامعه اسلامی دانست.

منابع

۱. احمدی، علی؛ محمدغفاری، حسن؛ وفایی، محمد و رضا یگانه (۱۳۸۷)، «بررسی تأثیر قرض‌الحسنه بر توزیع درآمد»، همایش اقتصاد اسلامی و توسعه، دانشگاه فردوسی مشهد.

۲. اکبریان، رضا (۱۳۸۲)، «تحلیلی از مفاهیم بهره و سپرده‌گذاری در اقتصاد اسلام»، مجموعه مقالات سومین همایش دوسالانه اقتصاد اسلامی، دانشگاه تربیت مدرس: تهران.

۳. ابونوری، اسماعیل و افسانه قاسمی تازه‌آبادی (۱۳۸۶)، «ارزیابی اثر ارزش افزوده قرض‌الحسنه بر توزیع درآمد (با استفاده از داده‌های پانل بین استانی)»، اقتصاد اسلامی، س۷، ش۲۸، ص۱۳۹-۱۶۴.

۴. حسینی، سیدمهدی و صادق خزاعی (۱۳۹۳)، «تأثیر توسعه مالی بر فقر و نابرابری در کشورهای عضو اکو»، توسعه اقتصادی، ش۱۶، ص۱-۲۲.

۵. جندقی میبدی، فرشته (۱۳۸۷)، «رابطه عقود اسلامی در سیستم بانکی با کاهش فقر»، همایش اقتصاد اسلامی و توسعه، دانشگاه فردوسی مشهد.

۶. دادگر، یدالله (۱۳۹۲)، اقتصاد بخش عمومی، چ۳، قم: دانشگاه مفید.

۷. دیزجی، منیره و محدثه آهنگری گرگری (۱۳۹۴)، «تأثیر توسعه مالی بر توزیع درآمد در کشورهای توسعه‌یافته و در حال توسعه»، اقتصاد مالی و توسعه، س۹، ش۳۳، ص۷۵-۱۰۳.

۸. دهمرده، نظر و زینب شکری (۱۳۸۹)، «اثرات توسعه مالی بر توزیع درآمد در ایران»، پژوهش‌ها و سیاست‌های اقتصادی، س۱۸، ش۵۴، ص۱۴۷-۱۶۴.

۹. صامتی، مجید و زهرا سادات سجادی (۱۳۹۱)، «تأثیر توسعه مالی بر نابرابری توزیع درآمد: مطالعه موردی منتخبی از کشورهای در حال توسعه»، پژوهش‌نامه اقتصاد کلان، س۷، ش۱۴، ص۱۲۹-۱۵۰.

۱۰. عرب‌مازار، عباس و سعید کیقبادی (۱۳۸۵)، «جایگاه قرض‌الحسنه در نظام بانکداری ایران»، اقتصاد اسلامی، ش۱۶، ص۱۳-۴۶.

۱۱. قنبری، علی؛ آقایی، مجید و مهدیه رضاقای‌زاده (۱۳۹۰)، «بررسی تأثیر توسعه مالی بر توزیع درآمد در ایران»، پژوهش‌نامه اقتصادی، س۱۱، ش۱، ص۱-۲۹.

۱۲. کمیجانی، علی‌اکبر و علی‌اصغر هادوی‌نیا (۱۳۷۷)، «درآمدی بر جایگاه قرض‌الحسنه در اسلام و اثرات اقتصادی آن»، نامه مفید، ش۱۴، ص۱-۱۵.

۱۳. کرویتس، هلموت (۱۳۷۸)، پول، بهره و بحران‌های اقتصادی-اجتماعی، ترجمه حمیدرضا شهمیرادی، چ۱، کانون اندیشه جوان.
۱۴. کینز، جان مینارد (۱۳۸۷)، نظریهٔ عمومی اشتغال، بهره و پول، ترجمه منوچهر فرهنگ، تهران: نشر نی.
۱۵. محمدغفاری، حسن (۱۳۸۵)، «مکانیسم عملکرد صندوق‌های قرض‌الحسنه بر توزیع درآمد»، دانش‌پژوهان، ش۹، ص۱-۲۰.
۱۶. میرمعزی، سیدحسین (۱۳۷۷)، «ترسیم نظام اقتصادی اسلام براساس مکتب اقتصادی آن از دیدگاه امام خمینی»، نامه مفید، ش۱۴، ص۱۸۵-۲۱۸.
۱۷. موسویان، سیدعباس (۱۳۷۷)، «بهره بانک‌های دولتی»، نامه مفید، ش۱۴، ص۲۱۹-۲۳۲.
۱۸. مهرگان، نادر و مهدی خوش اخلاق (۱۳۹۵)، «اثر تسهیلات قرض‌الحسنه بر توزیع درآمد (با استفاده از شاخص سهم نسبی درآمدی دهک‌ها)»، اقتصاد و بانکداری اسلامی، ش۱۶، ص۹۳-۱۱۹.
۱۹. هادوی‌نیا، علی اصغر (۱۳۷۸)، قرض‌الحسنه و آثار اقتصادی آن، قم: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
20. Ang, J. B., (2010), "Finance and Inequality: The Case of India", *Southern Economic Journal*, 76(3), 738-761.
21. Dhrifi, A., (2013), "Financial Development and the Growth-Inequality-Poverty Triangle: A Comparative Study between Developed and Developing Countries", *International Journal of Economics, Financial and Management*, 7, 472-481.
22. Kuznets, S., (1955), "Economic Growth and Income Inequality", *American Economic Review*, 45(1), 1-28.
23. Liang, Z., (2006), "Financial Development and Income Distribution: a System GMM Panel Analysis with Application to Urban China", *Journal of Economic Development*, 31 (2), 1-21.
24. Salah Uddin, G., M. Shahbazi, M. A., & Teulon, F., (2014), "Financial Development and Poverty Reduction Nexus: A Co-integration and Causality Analysis in Bangladesh", *Economic Modeling*, 36, 405-412.